

## وقتی عفت عمومی ترک برمی‌دارد

پرونده‌های بسیاری با موضوع تعرض به نواomis مردم در ادار‌های پلیس تشکیل می‌شود. خود شکل‌گیری این پرونده‌ها به دلیل جریحه‌دار شدن عفت عمومی جامعه کمتر به رسانه‌ها راه پیدا می‌کند هر چند به دلایل مختلف، بسیاری از پرونده‌های جنایی دیگر مثل قتل یا آدم‌ربایی هم به همین عمل مجرمانه ختم و اطلاعات آن در رسانه‌ها منتشر می‌شود. البته همه جرائم جنسی منجر به طرح شکایت نمی‌شود؛ چراکه بسیاری از زه‌دیدگان یا به دلیل بلب از جریحه‌دار شدن آبروی خود یا تهدید شدن از سوی مرتکبان از طرح شکایت‌ممانعت می‌کنند. دشواری طرح‌نشدن شکایت در مورد این دسته از اعمال مجرمانه سبب می‌شود تا مرتکبان این دسته‌از جرائم همچنان به رفتار مجرمانه خود ادامه دهند، بدون اینکه قانون از ماجرا باخبر شود و آنها را تحت تعقیب قرار دهد. عمده‌ترین زه‌دیدگان این حوزه را کودکان یا محارم و بستگان نزدیک فرد مرتکب تشکیل می‌دهند. رسانه‌ای شدن پرونده‌ها اما امتیازهایی به همراه دارد و آن اینکه در صورت فراری بودن متهم یا متهمان پرونده، تلاش پلیس برای بازداشت مجرمان آن با سرعت بیشتری دنبال می‌شود. همچنین مرتکبان چنین پرونده‌هایی به این صرافت خواهند افتاد که در صورت ارتکاب عمل مجرمانه از سوی قانون تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. عدم تشکیل یک پرونده در این بین هم به منزله نجات زندگی یک فرد خواهد بود. تأکید پلیس در این دسته از پرونده‌ها محورانه حفظ آبروی شاکیان و دعوت از آنها برای طرح شکایت بوده‌است که در صورت توجه زه‌دیدگان به توصیه پلیس، مجازات مرتکبان این جرائم خواهد توانست تا حدودی آلام آنها را التیام بخشد.

یکی از مهم‌ترین موضوعات در این پرونده‌ها خسارت‌های جبران‌ناپذیر به زه‌دیدگان است. زنان و کودکانی که در جریان تعرض جنسی قرار می‌گیرند بدون تردید به دنبال ترابیکی پرتاب می‌شوند که به جز خودشان کسی نمی‌تواند سبایی آن را رد کند. آنها در اولین گام باید تحت درمان و نظارت روانشناسی قرار گیرند. تجربه‌نشان داده‌است که بسیاری از این زنان با گذشت سال‌های زیاد از وقوع حادثه‌ای سیاه قادر به بازگشت به زندگی عادی نبوده‌اند. عمده آنها در صورتی که متأهل باشند، با طلاق از سوی شوهرانشان مواجه می‌شوند. یکی از قربانیان این پرونده‌ها که ۱۲ سال قبل مورد تعرض قرار گرفته است، می‌گوید دی ماه همیشه برای من و خانواده‌ام کابوس وار بوده است. پس از حادثه‌ای که برایم اتفاق افتاد شوهرم من را طلاق داد. هر سال که به دهم دی ماه نزدیک می‌شوم دچار اضطراب و وحشت می‌شوم. هر چند مرتکب پرونده‌ام انعام شده و کمی آرام شده‌ام، اما دیگر نمی‌توانم به شرایط قبل از حادثه برگردم. با این حال خانواده‌ام در این سال‌ها از من حمایت کرده‌اند. حقیقت این است که کابوس آن شب هنوز رهایم نمی‌کند.

درباره مجازات مرتکبان این پرونده‌ها هم خواسته عمومی اشد مجازات برای متهم یا متهمان پرونده است که در هر پرونده براساس محتویات شکل گرفته، خردانه دادگاه درباره آن تصمیم‌گیری خواهند کرد. به یاد دارم چند سال قبل در شهرستان شهریار چوبه‌دار را برای دو محکوم به مرگ برپا کرده بودند. یکی از متهمان به جرم تعرض جنسی و دیگری به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شده‌بودند. قبل از اجرای حکم فردی که به اتهام حمل مواد، محکوم به مرگ شده‌بود، وقتی فهمید فرد دوم به اتهام تعرض به نواomis مردم مجازات شده با فریاد از قاضی اجرای حکم خواست او را در محل دیگری انعام کنند. علت را که سؤال کردند گفت دوست ندارد در کنار کسی که به نواomis مردم تعرض کرده اعدام شود که خواسته او از سوی تماشگران محکوم مورد استقبال قرار گرفت و او در محل دیگری انعام شد. در تازه‌ترین پرونده‌ای که با همین موضوع در پلیس تهران تشکیل شد و تحقیقات آن در مراحل مقدماتی قرار دارد، زنی متأهل در دم چند مرد افغان گرفتار شده و آنها به صورت گروهی در مدت چند ساعت به وی تعرض کرده و سپس گریخته‌اند. با طرح شکایت، پلیس موفق شده متهمان را بازداشت کند که در اولین بازجویی‌ها به جرائم خود اعتراف کرده‌اند.

در مورد مجرمان افغان، دشوارترین موضوع برای پلیس غیرمجاز بودن آنها است. براساس آن چه تا کنون مشخص شده، دو متهم بازداشت شده به صورت غیرمجاز وارد کشور شده و در تهران کار می‌کردند و به‌طور متین سه متهم فراری هم به صورت غیرمجاز در کشور اقامت و فعالیت داشتند. این دسته از اتباع غیرمجاز هیچ‌گونه سابقه ثبت‌شده‌ای در مراکز قانونی کشور نرند و می‌توانند با هویت‌های مختلف در هر کجای کشور تردد کنند و دست به اعمال مجرمانه بزنند و به راحتی از کشور خارج شوند، بدون اینکه دست پلیس به آنها برسد. مسئولیت قانونی در این باره متوجه ساختارهای قانونی کشور است که نسبت به تردد آسان اتباع غیرمجاز افغان و فعالیت غیرقانونی آنها در کشور چشم‌پوشی می‌کنند و نسبت به جرائمی هم که مرتکب می‌شوند پاسخگو نیستند. در حالی که باید در این باره چالوگو باشند. پلیس همواره اقدام‌های پیشگیرانه را مقدم بر اقدام‌های انتظامی می‌داند که سخن درستی است منتهی این موضوع باید در مورد خودساختارهای قانونی هم مصداق داشته باشد و خود به آن چه دیگران را به آن توصیه می‌کنند، عمل کند. پرونده‌هایی از این دست قبلاً با عناوینی مثل مخلفن شدن متهم چشم‌پوشی، اعقرب سیاه و... تشکیل و عاملان آن هم مجازات شده‌اند. مهم‌ترین موضوع درباره شکل‌گیری و اطلاع‌رسانی در این حوزه باید فراهم شدن اقدام‌های پیشگیرانه برای بروز اعمال مجرمانه باشد که این امر با همکاری عمومی حاصل خواهد شد.



## بازداشت زندانی فراری پس از ۱۷ سال پناهیاد

مردی که ۱۷سال پیش از زندانی در چین گریخته است و تحت تعقیب پلیس قرار داشت با پناهیاد در یک غار پیداو دستگیر شد. متهم ۶۳ساله که سوئگ زیانگ نام دارد، ۱۷ سال قبل به اتهام قاچاق زنان و کودکان بازداشت شد و به زندان افتاد، اما مدتی بعد موفق به فرار شد. پس از آن بود که تلاش پلیس ایالت یونگشان برای دستگیری زندانی فراری به جریان افتاد، اما مأموران در عملیات‌های خود ناکام ماندند تا اینکه تصاویر محل پنهان شدن او که یک غار کوچک در محلی دورافتاده نزدیک کوه‌های شهر یون‌نان در جنوب غربی چین بود، توسط پناهیاد شناسایی و متهم بازداشت شد. پلیس اعلام کرد متهم به دلیل زورن دراز مدت از اجتماع انسانی برای حرف زدن دچار مشکل بود.

هشت مرد افغان که زن جوان را به پنهانه فروش خانه به مخفیگاه خود کشانده و به او تعرض کرده بودند در جریان تجسس‌های گام به گام پلیس با یتخت بازداشت شدند. به گزارش جوان، عصر روز پنج‌شنبه چهارم مهرماه زن جوانی وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از هشت مرد شیطان‌صفت به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد.

او در حالی که ترس در چهره‌اش پیدا بود در توضیح ماجرا گفت: چند ماه قبل من و شوهرم از بانک وام گرفتیم و با پس اندازی که داشتیم تصمیم گرفتیم خانه‌ای بخریم و به همین خاطر من و شوهرم روز سابت‌های اینترنتی فروش خانه را نگاه می‌کردیم تا مورد مناسبی پیدا کنیم. در این مدت به بنگاه‌های املاکی زیادی سر زدم و حتی از چند خانه‌ای که در سابت برای فروش گذاشته بودند، بازدید کردیم، اما نپسندیدم تا اینکه امروز هنگام بررسی سابت با آگهی فروش خانه‌ای در غرب تهران روبه‌رو شدم که شرایط مناسبی داشت. پس از اینکه با شوهرم مشورت کردم به این نتیجه رسیدیم که بافروشنده تماس بگیرم و برای دیدن خانه قرار ملاقات بگذاریم. من با فروشنده تماس گرفتم و او هم زمان ملاقات را بعداز ظهر گذاشت. قرار بود با شوهرم از خانه بازدید کنیم، اما از آنجایی که کاری برای شوهرم پیش آمد تنهایی سر قرار

رفتم. فروشنده مرد جوانی بود که کمی لهجه داشت اما آن لحظه متوجه نشدم که افغان است. او خانه را به من نشان داد و من هم پسندیدم و قرار شد دوباره همراه شوهرم برای بازدید به آنجا برویم. مرد فروشنده در ادامه گفت یکی از مشتریانش که به تازگی عازم یکی از کشورهای اروپایی است خانه‌ای در این نزدیکی برای فروش گذاشته و چون پول لازم برای شرایط بهتری برای خرید نسبت به این خانه دارد، او از من خواست خانه مورد نظر را ببینم و من هم به او اعتماد کردم و همراه او رفتم. فروشنده مرا به حوالی فرح‌زاد برد و مدعی شد که صاحبخانه داخل خانه باغی است و باید کلید خانه را از او بگیرد. من در نزدیکی باغ ایستادم. دقایقی بعد فروشنده همراه چند مرد دیگر از خانه باغ بیرون آمدند و به سوی من حمله کردند. آنها پس از ضرب و جرح مرا به داخل خانه باغ بردند و با گریه و التماس خواستم مرا رها کنند. هر چقدر التماس کردم و گفتم شوهر دارم فایده‌ای نداشت و آنها نقشه سیاه خود را اجرا کردند و پنج‌ساعت بعد مرا در حالی که وضعیت نامناسبی داشتم رهایم کردند.

■ **پیدا شدن سرخ از میان زباله‌ها**

با طرح این شکایت تبیی از مأموران پلیس به دستور بازپرس برای دستگیری متهمان راهی

# بازداشت عاملان حادثه خانه وحشت

سرویس حوادث ۸۴۹۸۴۳۵

محل شدند اما در یافتند مردان شیطان صفت از محل گریخته‌اند. بررسی‌های مأموران نشان داد متهمان هشت مرد افغان هستند و به پنهانه فروش خانه شکی را به مخفیگاه خود کشانده و به شدت موزار آزار و اذیت قرار داده‌اند. در حالی که به نظر می‌رسید متهمان ناشناس هیچ ردی از خود بجای نگذاشته‌اند، مأموران در بررسی گام به گام محل حادثه کارت ویزیت و برگه‌ای را در میان زباله‌ها پیدا کردند که شماره تلفن همراهی روی آن ثبت شده بود. خیلی زود مشخص شد که شماره تلفن متعلق به مردی افغان به نام بشیر است که با متهم اصلی پرونده سابقه دوستی دارد. بشیر وقتی مورد تحقیق قرار گرفت متهم اصلی و همدستش را به پلیس معرفی کرد و گفت این دو نفر مدتی است در کار خرید و فروش خانه فعالیت می‌کنند و مدتی قبل شماره تلفن مرا روی برگه‌ای نوشت و قرار شد مشتری خانه به او معرفی کنم. وی در بازجویی‌ها بعدی مدعی شد که نقشی در جنایت نداشته است.

■ **دستگیری متهم اصلی در قرار**

**ساختگی**

بدین ترتیب مأموران در جریان تجسس‌های بعدی موفق شدند دو متهم اصلی را در یکی از مناطق شمالی تهران شناسایی کنند و آنها را بازداشت کنند.

## متهم: باشاکیان برای گرفتن غرامت از بیمه

## تبانی کرده بودیم!



روى صورت‌م را کنار می‌زدم و تابلوها را می‌دیدم به همین دلیل متوجه شدم آنها بار حوالی شهرک گلستان در باط کریم بردند و در یک محله خلوت خالی و سا را در محلی خلوت رها کردند.»

با اطلاعاتی که شاکیان در اختیار پلیس گذاشتند مأموران موفق شدند یکی از متهمان را که مردی ۴۰ساله بود، بازداشت کنند. او در بازجویی‌ها به سسرتق با همدستی دو نفر از دوستانش به نام‌های محمد و محمود اعتراف کرد که هر دو بازداشت شدند. بعد از اقرار متهمان، رضا و محمود به محسارت کرد در سسرتق مرقون به آزار با سلاح سرد و مشاهدت در متهم با مقاومت در سسرتق روانه زندان شدند، اما دو متهم با قرار وثیقه ۵۰۰میلیون تومانی آزاد شد و رضا در زندان ماند.

صبح دیروز پرونده روی میز هیئت قضایی

شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی رحمانی قرار گرفت. بعد از طرح شکایت از سوی شاکیان، رضا به عنوان متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و گفت: «قبول دارم بار تریلی را سسرتق کردیم اما شاکی دروغ می‌گوید. من در مغازه محمد کارگر بودم و گاز پیک تیک پر می‌کردیم. محمود، وقتی محل بود و به تازگی با او آشنا شده بودم، او بهمی فهمید مشکل مالی دارم پیشنهاد سسرتق داد و من هم قبول کردم اما همه کارها را به او سپردم. محمود کامیون صحبت و روزی از سسرتق بار تریلی برادر شاکی صحبت کرد و گفت با صاحبان آن صحبت کرده تا از ما شکایت نکنند و از بیمه خسارت بگیرند. قبول کردم و روز حادثه به طرف آزادگان رفتم و با توافق دو شسکی بار تریلی را خالی کردیم. قرار شداز ما شکایت نکنند و فقط از بیمه خسارت بگیرند.»

میله‌گرها درصدی هم به آنها پندهییم.» متهم ادامه داد: «محمد تاجر میله گردی را می‌شناسخت که با او هماهنگ کرده بود میله گردها را از ما بخرند. ما به آن مرد تاجر گفته بودیم دو برادر هستیم که به خاطر اختلاف در ساخت و ساز ساختمان قصد داریم میله‌گرها را به او بفروشیم. مرد تاجر با جر تقیل بارها را به تاشک در بازار آهن فروشی ما برد اما با دیدن میله گردها شکی در ذهنش نداشت تا اینکه فقط در ساخت و ساز تونل، زیر گذر و پل هوایی بود. به همین دلیل او بود که ما را لو داد و شاکیان از ما شکایت نکردند.»

در ادامه دیگری متهم نیز در جایگاه ایستاد و گفت: «من صاحب کار رضا بودم و فقط تاجر میله گرد را به آنها معرفی کردم. در ماجرای سسرتق هم حضور نداشتم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

## قاتل دختر جوینده کار پیدا نشد



باتوق معاندان رفت و آمد زیادی داشته است. با بدست آمدن این اطلاعات، مأموران چند نفر از دوستان مقتول را به عنوان مظنون مورد تحقیق قرار دادند، اما از آنجائیکه مدرکی علیه آنها به دست نیامد، همگی تبرئه و آزاد شدند. با گذشت سه‌سال از حادثه از آنجائیکه ردی از عامل یا عاملان قتل به دست نیامده بود،

مادر مقتول با نوشتن نامه‌ای در خواست دپه از بیات‌المال را مطرح کرد.

پس از درخواست پرونده به شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز روی میز هیئت قضایی همان شعبه با گذشت سه‌سال از حادثه از آنجائیکه ردی رسمیت جلسه، مادر مقتول در جایگاه قرار

## طرح ویژه انضباط ترافیکی از حرف‌ناعامل

■ **جلال ستوده**

طرح ویژه انضباط ترافیکی با هدف انضباط بخشی به ترافیک و ارتقای فرهنگ ترافیک قرار است از دی‌امسال در کلانشهر کشور برگزار شود.

فرآوانی آمار قربانیان سوانح رانندگی به یکی از نگرانی‌های عمومی تبدیل شده و هم‌دستی شش‌نفر دیگر اعتراف کردند.

سازمان پزشکی قانونی کشور گزارش داده سال گذشته ۱۷هزارو ۱۸۳ نفر در جریان این سوانح کشته و ۳۶۷هزارو ۴۵۱نفر نم مجروح شدند. این آمار در سال‌های قبل از آن هم بانذکی تغییرمدم در حال جابه‌جا شدن بود و در سال‌های پیش‌رو هم با همین شیب ملایم استمرار پیدا خواهد کرد. در مقام عمل هم تغییری محسوس در فرآوانی این آمار صورت نگرفته‌است که مهم‌ترین دلیل آن هم خبرهای ناگواری است که مدام از سوانح رانندگی به گوش می‌رسد و پیش‌روی چشم همگان قرار دارد.

■ **اعلام اصلی در سابه**

مهم‌ترین عامل بازدارنده در این خرجه ساختارهای فرهنگی کشور هستند که عملکرد آنها پیش چشم همگان قرار ندارد از همین رو مورد بازخواست هم قرار نخواهند گرفت. یکی از ارکان این ساختار رسانه ملی است که به عنوان فرآگیرترین رسانه عملاً هیچ نقشی در آگاهی‌سازی عمومی ندارد و ترجیح می‌دهد به جای پرداخت به این موضوع جنب سازمان را از راه تبلیغ کلاه‌های مصرفی بر کند. بقیه ساختارهای فرهنگی هم وضعیتی مشابه این دارند. در این بین بیشترین انتقاد متوجه پلیس است که عملاً مقابل چشم همگان قرار دارد و باید پاسخگوی ترافیک و ایمنی‌های پس از آن باشد. در این بین شهرداری‌ها،وزارت‌راه و کارخانه‌های تولید خودرو و شرکت‌های فروش خودرو مورد پرسش قرار نخواهند گرفت و در صورت طرح پرسش‌اسخی نخواهند داد.

■ **درباره طرح انضباط ترافیکی**

با همه توضیح‌های مطرح شده سردار سسید کمال هادیانفر، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا روز گذشته در حاشیه حضور در دبستان دخترانه لولامه پاسنگاه نعمت‌آباد اعلام کرده‌است که طرح انضباط ترافیکی پلیس راهنمایی و رانندگی که قرار است از دی‌ماه در ۹کلان‌شهر کشور از جمله تهران اجرا شود، تأثیری در فرهنگ پذیری رانندگان و شهروندان داشته باشد.

وی درباره هدف از اجرای طرح گفت: انضباط ترافیکی بحث گسترده‌ای است و ما در اجرای این طرح چند اولویت را مد نظر قرار دادیم. نخست عابران پیاده و مسائلی همچون عبور از گذرگاه‌ها و زیر گذرها و پل‌های عبور مد نظر است. مورد بعدی موتور سیکل‌هاست که مواردی همچون استفاده از کلاه ایمنی و عدم انجام رفتارهای پرخطر در حین رانندگی، حرکت در مسیرهای ممنوعه و خلاف جهت...از جمله آنهاست. اولویت بعدی مربوط به خودروهای سواری است. مواردی همچون عدم حرکت خلاف جهت، حرکت بین خطوط و سرعت و سبقت غیر مجاز جزء مواردی است که به آن پرداخته خواهد شد. وی با بیان اینکه در اجرای این طرح تنها بخش پرخورد با تخلفات پیش‌بینی نشده‌است، ادامه داد: گرچه به‌طور بد یک سری از تخلفات تشدید خواهد شد، اما هدف ما صرفاً پر خورد با تخلفات نیست بلکه فرهنگ‌سازی و ایمنی ترافیکی اولویت مهمتری است؛ چراکه بر برخوردی ما نشان می‌دهد که مردم‌تین علل مرگ و میر در حوادث ترافیکی یا مربوط به عابران پیاده و موتور سیکلت‌سواران است یا مربوط به چند تخلف انگشت شمار از سوی رانندگان خودروهای سواری است از این رو با فرهنگ‌سازی در این خصوص می‌توان از وقوع بسیاری از این حوادث جلوگیری کرد.

■ **از حرف‌نا عمل**

هر کدام از موضوعاتی که رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی به آن اشاره کرد، مقوله‌ای است که در جای خود قابل بحث است. به عنوان مثال قانون‌گریزی موتورسواران به یکی از مصایب این روز‌های هر جامعه شهری و روستایی تبدیل شده است که تلاش برای ملزم کردن افراد به قانون‌مداری در این حوزه بی‌پوست‌های بسیاری دارد که امید است رئیس پلیس ما مورد توجه قرار دادن تمامی بی‌پوست‌ها قدم‌های عملی برای طرح مورد اشاره بردارد.

## سارق مغازه سیسمونی شاگرد مغازه بود

دوربین‌های مداربسته دست شاگرد مغازه سیسمونی را که هر شب به مغازه دستبند می‌زد، رو کرد.

به گزارش جوان، سسات هفت و نیم عصر روز پنج‌شنبه هفته گذشته چهارم مهرماه مأموران کلانتری ۱۷۱ شهید مصطفی خمینی با تماس تلفنی شهروندی از دستگیری سارق مغازه سیسمونی فروشی باخبر و راهی محل شدند.

پس از حضور مأموران در محل حادثه صاحب مغازه سیسمونی که مردی ۴۵ساله‌ای بود در توضیح ماجرا گفت: مدتی است از داخل گاوئندوق مغازام سرقت می‌شود. ابتدا فکر کردم سارقان غریبه هستند اما متوجه شدم که قفل در تخریب نشده و احتمال دادم که سارق مغازه‌ام فرد آشنایی است. به همین خاطر فیلم دوربین مداربسته مغازه را بررسی کردم که متوجه شدم کارگر سابق مغازام در نبود من وارد مغازه می‌شود و از داخل گاوئندوق مغازام سرقت می‌کند. شاکی ادامه داد: پس از این تمامی پول‌های داخل گاوئندوق را نشانه‌گذاری کردم و با هوشیاری بیشتر مراقب بودم تا هنگام حضور کار گر سابقم به داخل مغازه وی را دستگیر کنم. پس از این در محل کمین کردم و وقتی او از گاوئندوق مغازام سرقت کرد و قصد فرار داشت دستگیرش کردم.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا منکر جرم خود شد اما وقتی فیلم دوربین‌های مداربسته مشاهده کرد به ناچار لب به اعتراف گشود و اسکناس‌های علامت گذاری شده را به شاکی تحویل داد. متهم سه‌ساعت قبل کارگر این مغازه بودم که به دلایلی بیرون آمدم. آن زمان شب‌بها داخل مغازه می‌خوابیدم تا اینکه روزی، صاحب مغازه غفلت کرد و دسته کلیدش را در داخل مغازه جا گذاشت. من بلافاصله از روی دسته کلیدش، کلید پدک ساختم و بعد تمام کلیدها را به محل خودش برگرداندم. آن زمان صاحب مغازه متوجه نشد تا اینکه از سه ماه قبل تصمیم گرفتم از مغازه سیسمونی سرقت کنم.

وی ادامه داد: من هر روز در نبود صاحب کار قبلی‌ام به مغازه‌اش می‌رفتم و هر بار یک سسوم از پول‌های گاوئندوقش را سرقت می‌کردم تا اینکه صاحب مغازه متوجه شد و در دام مأموران گرفتار شدم.

سرگرد رضا‌اسلام‌نژاد، رئیس کلانتری ۱۷۱ شهید مصطفی خمینی با اعلام این خبر گفت: پس از انجام تحقیقات تکمیلی، متهم برای سه مراحل قانونی به مقام قضایی معرفی شد.



سازمان پزشکی قانونی کشور گزارش داده سال گذشته ۱۷هزارو ۱۸۳ نفر در جریان این سوانح کشته و ۳۶۷هزارو ۴۵۱نفر نم مجروح شدند. این آمار در سال‌های قبل از آن هم بانذکی تغییرمدم در حال جابه‌جا شدن بود و در سال‌های پیش‌رو هم با همین شیب ملایم استمرار پیدا خواهد کرد. در مقام عمل هم تغییری محسوس در فرآوانی این آمار صورت نگرفته‌است که مهم‌ترین دلیل آن هم خبرهای ناگواری است که مدام از سوانح رانندگی به گوش می‌رسد و پیش‌روی چشم همگان قرار دارد.

■ **اعلام اصلی در سابه**

مهم‌ترین عامل بازدارنده در این خرجه ساختارهای فرهنگی کشور هستند که عملکرد آنها پیش چشم همگان قرار ندارد از همین رو مورد بازخواست هم قرار نخواهند گرفت. یکی از ارکان این ساختار رسانه ملی است که به عنوان فرآگیرترین رسانه عملاً هیچ نقشی در آگاهی‌سازی عمومی ندارد و ترجیح می‌دهد به جای پرداخت به این موضوع جنب سازمان را از راه تبلیغ کلاه‌های مصرفی بر کند. بقیه ساختارهای فرهنگی هم وضعیتی مشابه این دارند. در این بین بیشترین انتقاد متوجه پلیس است که عملاً مقابل چشم همگان قرار دارد و باید پاسخگوی ترافیک و ایمنی‌های پس از آن باشد. در این بین شهرداری‌ها،وزارت‌راه و کارخانه‌های تولید خودرو و شرکت‌های فروش خودرو مورد پرسش قرار نخواهند گرفت و در صورت طرح پرسش‌اسخی نخواهند داد.

■ **درباره طرح انضباط ترافیکی**

با همه توضیح‌های مطرح شده سردار سسید کمال هادیانفر، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا روز گذشته در حاشیه حضور در دبستان دخترانه لولامه پاسنگاه نعمت‌آباد اعلام کرده‌است که طرح انضباط ترافیکی پلیس راهنمایی و رانندگی که قرار است از دی‌ماه در ۹کلان‌شهر کشور از جمله تهران اجرا شود، تأثیری در فرهنگ پذیری رانندگان و شهروندان داشته باشد.

وی درباره هدف از اجرای طرح گفت: انضباط ترافیکی بحث گسترده‌ای است و ما در اجرای این طرح چند اولویت را مد نظر قرار دادیم. نخست عابران پیاده و مسائلی همچون عبور از گذرگاه‌ها و زیر گذرها و پل‌های عبور مد نظر است. مورد بعدی موتور سیکل‌هاست که مواردی همچون استفاده از کلاه ایمنی و عدم انجام رفتارهای پرخطر در حین رانندگی، حرکت در مسیرهای ممنوعه و خلاف جهت...از جمله آنهاست. اولویت بعدی مربوط به خودروهای سواری است. مواردی همچون عدم حرکت خلاف جهت، حرکت بین خطوط و سرعت و سبقت غیر مجاز جزء مواردی است که به آن پرداخته خواهد شد. وی با بیان اینکه در اجرای این طرح تنها بخش پرخورد با تخلفات پیش‌بینی نشده‌است، ادامه داد: گرچه به‌طور بد یک سری از تخلفات تشدید خواهد شد، اما هدف ما صرفاً پر خورد با تخلفات نیست بلکه فرهنگ‌سازی و ایمنی ترافیکی اولویت مهمتری است؛ چراکه بر برخوردی ما نشان می‌دهد که مردم‌تین علل مرگ و میر در حوادث ترافیکی یا مربوط به عابران پیاده و موتور سیکلت‌سواران است یا مربوط به چند تخلف انگشت شمار از سوی رانندگان خودروهای سواری است از این رو با فرهنگ‌سازی در این خصوص می‌توان از وقوع بسیاری از این حوادث جلوگیری کرد.

■ **از حرف‌نا عمل**

هر کدام از موضوعاتی که رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی به آن اشاره کرد، مقوله‌ای است که در جای خود قابل بحث است. به عنوان مثال قانون‌گریزی موتورسواران به یکی از مصایب این روز‌های هر جامعه شهری و روستایی تبدیل شده است که تلاش برای ملزم کردن افراد به قانون‌مداری در این حوزه بی‌پوست‌های بسیاری دارد که امید است رئیس پلیس ما مورد توجه قرار دادن تمامی بی‌پوست‌ها قدم‌های عملی برای طرح مورد اشاره بردارد.

## سارق مغازه سیسمونی شاگرد مغازه بود

دوربین‌های مداربسته دست شاگرد مغازه سیسمونی را که هر شب به مغازه دستبند می‌زد، رو کرد.

به گزارش جوان، سسات هفت و نیم عصر روز پنج‌شنبه هفته گذشته چهارم مهرماه مأموران کلانتری ۱۷۱ شهید مصطفی خمینی با تماس تلفنی شهروندی از دستگیری سارق مغازه سیسمونی فروشی باخبر و راهی محل شدند.

پس از حضور مأموران در محل حادثه صاحب مغازه سیسمونی که مردی ۴۵ساله‌ای بود در توضیح ماجرا گفت: مدتی است از داخل گاوئندوق مغازام سرقت می‌شود. ابتدا فکر کردم سارقان غریبه هستند اما متوجه شدم که قفل در تخریب نشده و احتمال دادم که سارق مغازه‌ام فرد آشنایی است. به همین خاطر فیلم دوربین مداربسته مغازه را بررسی کردم که متوجه شدم کارگر سابق مغازام در نبود من وارد مغازه می‌شود و از داخل گاوئندوق مغازام سرقت می‌کند. شاکی ادامه داد: پس از این تمامی پول‌های داخل گاوئندوق را نشانه‌گذاری کردم و با هوشیاری بیشتر مراقب بودم تا هنگام حضور کار گر سابقم به داخل مغازه وی را دستگیر کنم. پس از این در محل کمین کردم و وقتی او از گاوئندوق مغازام سرقت کرد و قصد فرار داشت دستگیرش کردم.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا منکر جرم خود شد اما وقتی فیلم دوربین‌های مداربسته مشاهده کرد به ناچار لب به اعتراف گشود و اسکناس‌های علامت گذاری شده را به شاکی تحویل داد. متهم سه‌ساعت قبل کارگر این مغازه بودم که به دلایلی بیرون آمدم. آن زمان شب‌بها داخل مغازه می‌خوابیدم تا اینکه روزی، صاحب مغازه غفلت کرد و دسته کلیدش را در داخل مغازه جا گذاشت. من بلافاصله از روی دسته کلیدش، کلید پدک ساختم و بعد تمام کلیدها را به محل خودش برگرداندم. آن زمان صاحب مغازه متوجه نشد تا اینکه از سه ماه قبل تصمیم گرفتم از مغازه سیسمونی سرقت کنم.

وی ادامه داد: من هر روز در نبود صاحب کار قبلی‌ام به مغازه‌اش می‌رفتم و هر بار یک سسوم از پول‌های گاوئندوقش را سرقت می‌کردم تا اینکه صاحب مغازه متوجه شد و در دام مأموران گرفتار شدم.

سرگرد رضا‌اسلام‌نژاد، رئیس کلانتری ۱۷۱ شهید مصطفی خمینی با اعلام این خبر گفت: پس از انجام تحقیقات تکمیلی، متهم برای سه مراحل قانونی به مقام قضایی معرفی شد.